

آموزش از راه دور زبان انگلیسی

تحقیق

www.majazionline.ir

خودآموز جامع زبان انگلیسی

English Result

جلد اول

Elementary



خود آموز جامع زبان انگلیسی

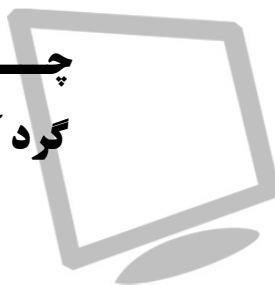
English Result

Elementary

جلد اول

چاپ دوم : زمستان ۱۳۹۱

گرد آوری و تالیف : علیرضا معتمد



TahlilGaran.org

سرشناسه	: معتمد، علیرضا، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: خودآموز جامع زبان انگلیسی English Result / گردآوری و تالیف علیرضا معتمد.
مشخصات نشر	: تهران: تحلیلگران، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ج. ۴؛ ۵/۲۱/۵×۱۴ س.م.
شابک	: دوره ۲-۳۲-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۱: ۹-۳۳-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۶-۳۴-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۳: ۳-۳۵-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۴: ۰-۳۶-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - انگلیسی.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زبان انگلیسی -- کتاب‌های درسی برای خارجیان -- فارسی
موضوع	: زبان انگلیسی -- دستور -- خودآموز
موضوع	: زبان انگلیسی -- واژگان -- راهنمای آموزشی
موضوع	: زبان انگلیسی -- خودآموز
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۸۸خ۶۴م/۱۱۲۸PE
رده بندی دیویی	: ۴۲۸/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۹۴۹۸۰

تهران، میدان ونک، خیابان گاندی هجدهم،
پلاک ۱۸، واحد ۲ تلفن: ۸۰۸۰۱۳۳۳
سایت اینترنت: www.TahlilGaran.org
پست الکترونیک: info@TahlilGaran.org



نام کتاب: خودآموز جامع زبان انگلیسی **English Result** - جلد اول

گردآوری و تالیف: علیرضا معتمد

چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۱

قطع رقعی: ۷۶ صفحه

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۲-۳۲-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک: ۹-۳۳-۵۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۳۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است و هرگونه نسخه برداری از آن پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر :

کتابهای آموزشی زبان انگلیسی English Result، جدیدترین محصول آموزشی انتشارات دانشگاه آکسفورد بوده که جهت آموزش زبان انگلیسی به نوجوانان و جوانان غیر انگلیسی زبان، بصورت کاربردی و با شیوه ای نوین طراحی شده است. هر درس شامل مجموعه ای از لغات جدید به همراه نکات گرامری، شیوه تلفظ صحیح و ... بوده و موجب افزایش مهارتهای چهارگانه زبان انگلیسی (خواندن، نوشتن، مکالمه و درک مطلب شنیداری) می گردد.

یکی از نکات برجسته درسهها، استفاده از زبان محاوره واقعی با اقتباس از زندگی مردم انگلیسی زبان در کنار آموزشهای آکادمیک می باشد. از طرف دیگر بیان موضوعاتی از قبیل خرید کردن، تاکسی گرفتن، سفارش غذا در رستوران و ... مواردی از کاربرد زبان انگلیسی در زندگی روزمره بوده که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

کتاب حاضر مجموعه ای از نکات گرامری به همراه واژگان جدید و راهنمای تلفظ لغات هر درس از کتابهای انگلیش ریزالت می باشد که در چهار جلد ویژه هر سطح ارایه شده و می تواند به عنوان کتاب راهنما و خودآموز زبان انگلیسی در کنار کتابهای اصلی انگلیش ریزالت مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد داشته باشید که تکرار و برنامه ریزی، کلید موفقیت شما در آموختن هر زبان جدید می باشد.

موفق باشید
علیرضا معتمد
موسس و مدیر مسئول



فهرست مطالب :

- | | | |
|----|---|--------|
| ۶ | ✓ ضمائر فاعلی
✓ صفات ملکی
✓ زمان حال ساده | درس ۱. |
| ۱۲ | ✓ جملات امری
✓ بیان مالکیت
✓ کاربرد صفت
✓ حرف تعریف نامعین a,an
✓ حروف اضافه زمان | درس ۲. |
| ۱۸ | ✓ حرف تعریف معین the
✓ جمع اسامی با قاعده
✓ حروف اضافه مکان
✓ کاربرد قید | درس ۳. |
| ۲۴ | ✓ سوم شخص مفرد در زمان حال ساده
✓ قید تکرار | درس ۴. |
| ۳۰ | ✓ ضمائر مفعولی
✓ کاربرد صفت
✓ کاربرد have got | درس ۵. |
| ۳۴ | ✓ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش
✓ کاربرد some, any, much, many, a lot of | درس ۶. |

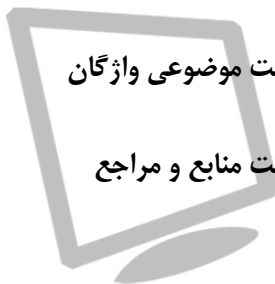
۳۹	<ul style="list-style-type: none"> ✓ بیان پیشنهاد ✓ بیان توانستن ✓ قید حالت 	درس ۷.
۴۴	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کاربرد would like ✓ زمان حال استمراری ✓ افعال حرکتی و غیر حرکتی 	درس ۸.
۵۰	<ul style="list-style-type: none"> ✓ زمان گذشته ساده ✓ ترکیبهای مختلف جملات زمان گذشته ساده 	درس ۹.
۵۶	<ul style="list-style-type: none"> ✓ افعال بی قاعده در زمان گذشته ساده ✓ جملات پرسشی با WH 	درس ۱۰.
۶۰	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کاربرد too ✓ کاربرد enough ✓ صفت تفضیلی ✓ صفت عالی 	درس ۱۱.
۶۶	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کاربرد زمان حال استمراری در آینده ساده ✓ کاربرد going to در آینده ساده 	درس ۱۲.

۶۹

فهرست موضوعی واژگان

۷۶

فهرست منابع و مراجع



Unit 1

Grammar

☑ ضمایر فاعلی :

ضمیر فاعلی، کلمه ای است که بجای فاعل می نشیند تا از تکرار آن در جمله جلوگیری نماید. ضمایر فاعلی عبارتند از:

I you he she it
we you they

مثال:

I am from Iran.

You are from France.

He is from Spain.

She is from China.

It is from London.

We are from Paris.

They are from Mexico.

☑ صفات ملکی :

صفت ملکی، کلمه ای است که مالکیت اسم را بیان نموده و در عین حال بصورت صفت قبل از اسم قرار می گیرد. صفات ملکی عبارتند از :

my your his her its
our your their

مثال:

My name is Ali.

What is **your** name?

How do you spell **his** name?

Her name is Mary.



☑ زمان حال ساده :

در زبان انگلیسی برای بیان حقایق و یا امور روزمره و روتین از زمان حال ساده استفاده می شود. مثلا جمله (من انگلیسی می خوانم.) به معنی خواندن زبان انگلیسی بصورت روزمره و تکراری می باشد و یا جمله (در فصل تابستان زمین گرم می شود.) به مفهوم بیان حقایق در خصوص فصلها است.
ساختار جملات زمان حال ساده بصورت زیر می باشد:

(مفعول یا سایر ترکیبهای مکمل) + فعل + فاعل

به مثال زیر توجه نمایید :

I Speak *English*.

You Speak *English*.

I , You فاعل جملات و **Speak** فعل و *English* مفعول می باشد.

☑ ترکیبهای سوالی زمان حال ساده :

جهت بیان جملات پرسشی در زمان حال ساده کفایت نخست جای فعل و فاعل را با هم عوض کرده و به ابتدای جمله **Do** و **Does** (برای سوم شخص مفرد) اضافه نماییم. به **Do** و **Does** افعال کمکی گفته می شود که در درسهای آتی در مورد آنها بیشتر خواهیم آموخت.

توجه نمایید که با اضافه نمودن **Does** به جملات سوم شخص مفرد ، s (و یا es در برخی حالتها) از انتهای فعل اصلی حذف می گردد. مثال :

I speak *English*.

Do I speak *English*?

He speaks *English*.

Does he speak *English*?



☑ ترکیبهای منفی زمان حال ساده :

برای ساختن جملات منفی در زمان حال ساده کافیسٹ واژه **do not** را مابین فاعل و فعل اصلی اضافه نماییم. توجه داشته باشید که در جملات سوم شخص مفرد از **does not** استفاده می شود. مثال:

I speak English.
I **do not** speak English.
He speaks English.
He **does not** speak English.

☑ پاسخ کوتاه به جملات پرسشی :

در پاسخ کوتاه به جملات پرسشی زمان حال ساده می توان از ترکیبهای زیر استفاده نمود:

Do you speak English?
Yes, I **do**.
Does she speak English?
Yes, she **does**.

Do you speak English?
No, I **do not**.
Does she speak English?
No, she **does not**.

توجه داشته باشید که بجای **do not** می توان از مخفف آن **don't** و بجای **does not** از مخفف آن **doesn't** استفاده نمود:

Do you speak English?
No, I **don't**.

Does she speak English?
No, she **doesn't**.

📌 Vocabulary

address	/ə'dres/	آدرس
at	/æt/	در
Belgium	/'beldʒəm/	بلژیک
Britain	/'brɪtn/	بریتانیا
bye	/baɪ/	خداحافظ
coffee	/'kɒfi/	قهوه
country	/'kʌntri/	کشور
dot	/dɒt/	نقطه
double	/'dʌbl/	دو برابر
eight	/eɪt/	هشت
eighteen	/eɪ'ti:n/	هجده
eighty	/'eɪti/	هشتاد
eleven	/ɪ'levn/	یازده
email	/'i:meɪl/	پست الکترونیک
England	/'ɪŋɡlənd/	انگلستان
fifteen	/'fɪf'ti:n/	پانزده
fifty	/'fɪfti/	پنجاه
first name	/'fɜ:st nem/	اسم اول (نام کوچک)
five	/faɪv/	پنج
forty	/'fɔ:ti/	چهل
four	/fɔ:/	چهار
fourteen	/fɔ:'ti:n/	چهارده
friend	/frend/	دوست
from	/frɒm/	از
goodbye	/gʊd'baɪ/	خداحافظ
he	/hi:/	او (مذکر)
hello	/hə'ləʊ/	سلام
hi	/haɪ/	سلام
hundred	/'hʌndrəd/	صد
in	/ɪn/	در
it	/ɪt/	آن (شیء و حیوان)
man	/mæn/	مرد

married	/'mærid/	متاهل
Mexico	/'meksɪkəʊ/	مکزیک
Miss	/mɪs/	دختر خانم (دوشیزه)
mobile phone	/'məʊbaɪl fəʊn/	تلفن همراه
Mr	/'mɪstə/	آقا
Mrs	/'mɪsɪz/	خانم (متاهل)
Ms	/mɒz/	خانم (مجرد یا متاهل)
my	/maɪ/	مال من
name	/neɪm/	اسم
nine	/naɪn/	عدد نه
nineteen	/naɪn'ti:ən/	نوزده
ninety	/'naɪnti/	نود
oh	/əʊ/	آه
OK	/əʊ'keɪ/	خب، عبارت تأیید
one	/wʌn/	یک
or	/ɔ:/	یا
passport	/'pɑ:spɔ:t/	گذرنامه
please	/pli:z/	لطفاً
Poland	/'pəʊlənd/	لهستان
polite	/pə'laɪt/	مودب
Russia	/'rʌʃə/	روسیه
seat	/si:t/	صندلی
seven	/'sevn/	هفت
seventeen	/sevn'ti:ən/	هفده
seventy	/'sevnti/	هفتاد
she	/ʃi:/	او (مونث)
single	/'sɪŋgl/	مجرد، تنها
six	/sɪks/	شش
sixteen	/sɪks'ti:ən/	شانزده
sixty	/'sɪks'ti/	شصت
slash	/slæʃ/	خط مورب
street	/stri:t/	خیابان
surname	/'sɜ:nem/	نام خانوادگی

telephone	/'telɪfəʊn/	تلفن
ten	/ten/	عدد ده
thirteen	/θɜ: 'ti:n/	سیزده
thirty	/'θɜ:ti/	سی
three	/θri:/	سه
town	/taʊn/	شهر
twelve	/twelv/	دوازده
twenty	/'twenti/	بیست
twenty-one	/twenty 'wɒn/	بیست و یک
twenty-two	/twenty 'tu:/	بیست و دو
twenty-three	/twenty 'θri:/	بیست و سه
two	/tu:/	دو
Wales	/weɪlz/	ولز
website	/'websaɪt/	سایت اینترنت
you	/ju:/	شما
your	/jɔ:/	مال شما

Excuse me.	ببخشید
Good afternoon.	بعد از ظهر بخیر
Good morning.	صبح بخیر
How are you?	حال شما چطور است؟
How do you spell ...?	... را چگونه هجی می کنید؟
How old are you?	چند سالتان است؟
I don't understand.	متوجه نمی شوم.
I'm fine, thanks.	خوبم، ممنون.
Is this seat free?	آیا این صندلی خالی است؟ (جای کسی نیست؟)
My name's ...	نام من ... است.
Nice to meet you.	از دیدارتان خوشوقتم.
See you later!	بعداً می بینمتان.
What about you?	شما چطور؟
What's your address?	آدرس شما چیست؟
What's your telephone number?	شماره تلفن شما چیست؟
Where are you from?	اهل کدام کشور هستید؟

Unit 2

Grammar

☑ جملات امری :

جملات امری برای بیان دستور به مخاطب جهت انجام دادن یا انجام ندادن فعل بکار می رود. جملات امری مثبت بصورت شکل ساده فعل و اغلب به همراه واژگانی از قبیل Please, Will you, Would you, Could you, ... بکار می رود.

جملات امری منفی بصورت Do not به همراه شکل ساده افعال بکار می رود. مثال:

Close the door, please.

Listen to the teacher, please.

Do not open your books.

☑ بیان مالکیت :

از 's برای بیان مالکیت برای انسان در جملات استفاده می شود. مانند:

Ali's book

کتاب علی

Mary's mother

مادر مریم

از of مابین دو اسم برای بیان مالکیت اشیاء در جملات استفاده می شود. مانند:

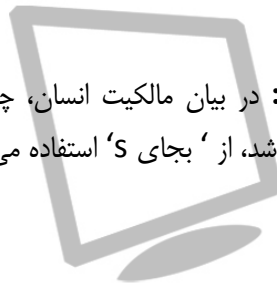
The window of the class

پنجره کلاس

توجه: در بیان مالکیت انسان، چنانچه اسم بصورت جمع با قاعده در جملات بکار رفته باشد، از ' بجای 's استفاده می شود. مثال:

The students' classroom

کلاس دانش آموزان



The children's book

کتاب بچه ها

توجه: در بیان مالکیت حیوانات نیز از 'S بصورت فوق استفاده می شود. مثال:

Don't step on the cat's tail.

توجه: در اتصال اسم به قید زمان یا طول زمان، از 'S استفاده می شود. مثال:

Today's news

Tomorrow's newspaper

Next week's meeting

Monday's show

It's only about ten minutes' walk.

Julia has got a week's holiday starting on Monday.

☑ کاربرد صفت :

صفت در زبان انگلیسی ماقبل اسم و برای توصیف آن بکار می رود. توجه داشته باشید که صفت همیشه بصورت مفرد در جملات ظاهر می شود. مثال:

rich:

She's **rich**. She's a **rich** woman.

old:

It's **old**. It's an **old** car.

☑ حرف تعریف نامعین :

به a و an که ماقبل اسامی قابل شمارش مفرد بکار برده می شوند، حروف تعریف نامعین گفته می شود. حرف تعریف نامعین به معنی (ی) در جملات بکار می رود. مانند a book (کتابی)

خودآموز جامع زبان انگلیسی (سطح ۱)

حرف تعریف **an** قبل از اسامی مفرد که با حروف صدا دار (a, e, l, o, u) و همچنین h نا ملفوظ) آغاز شده باشند بکار می رود. مثال:

an actress, **an** English singer

حرف تعریف **a** قبل از اسامی مفرد که با حروف بیصدا آغاز شده باشد، بکار می رود. مثال:

a dentist, **a** Spanish actor

☑ حروف اضافه زمان :

حرف اضافه **on** برای کل روز بکار برده می شود. مثال:

on Friday, **on** Christmas Day, **on** my birthday, **on** 19 May 1979

حرف اضافه **in** برای قسمتی از روز و همچنین قبل از ماه، سال و فصل بکار می رود. مانند:

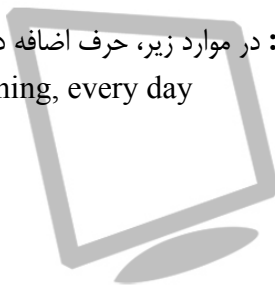
in the morning, **in** the afternoon, **in** the evening, **in** January

حرف اضافه **at** برای مقاطع زمانی از قبیل شب، نیمه شب، ظهر، سپیده دم و ... بکار برده می شود. مانند:

at night, **at** midnight, **at** noon, **at** dawn, **at** midday, **at** sunrise, **at** 10 a.m.

توجه: در موارد زیر، حرف اضافه در جملات ذکر نمی شود:

tonight, tomorrow, last week, this morning, every day



📌 Vocabulary

apostrophe	/ə'pɒstrəfi/	علامت (')
baby	/'beɪbi/	بچه
bag	/bæg/	کیف
board	/bɔ:d/	تخته، تابلو
boy	/bɔɪ/	پسر
brother	/'brʌθə/	برادر
CD	/si: 'di:/	لوح فشرده
chair	/tʃeə/	صندلی
child	/tʃaɪld/	بچه
children	/'tʃɪldrən/	بچه ها
close	/klaʊz/	بستن
couple	/'kʌpl/	جفت، دوتا
daughter	/'dɔ:tə/	دختر
designer	/dr'zænə/	طراح
desk	/desk/	میز
doctor	/'dɒktə/	دکتر
door	/dɔ:/	درب
engineer	/endʒɪ'nɪə/	مهندس
factory worker	/'fæktəri wɜ:kə/	کارگر کارخانه
family	/'fæməli/	خانواده
farmer	/'fɑ:mə/	کشاورز
father	/'fɑ:ðə/	پدر
Friday	/'fraɪdeɪ/	جمعه
girl	/gɜ:l/	دختر
grandfather	/'grænfɑ:ðə/	پدر بزرگ
grandmother	/'grænmʌðə/	مادر بزرگ
grandparents	/'grænpɛərənts/	پدر بزرگ یا مادر بزرگ
her	/hɜ:/	مال او (مؤنث)
his	/hɪz/	مال او (مذکر)
housewife	/'haʊswaɪf/	خانم خانه دار
husband	/'hʌzbænd/	شوهر
listen	/'lɪsn/	گوش دادن

look	/lʊk/	نگاه کردن
man	/mæn/	مرد
Monday	/'mʌndeɪ/	دوشنبه
mother	/'mʌðə/	مادر
not	/nɒt/	نه (کلمه نفی)
o'clock	/ə'klɒk/	ساعت
office worker	/'ɒfɪs wɜ:kə/	کارگر اداره
old	/əʊld/	پیر
open	/'əʊpən/	باز کردن
our	/ɑ:/	مال ما
pen	/pen/	قلم
pencil	/'pensl/	مداد
phone	/fəʊn/	تلفن
picture	/'pɪktʃə/	عکس
poor	/pɔ:/	فقییر
read	/ri:d/	خواندن
rich	/rɪtʃ/	پولدار
Saturday	/'sætədeɪ/	شنبه
say	/seɪ/	گفتن
shop assistant	/'ʃɒp əsɪstənt/	متصدی فروش
sister	/'sɪstə/	خواهر
son	/sʌn/	پسر
student	/'stju:dnt/	دانش آموز
Sunday	/'sʌndeɪ/	یکشنبه
teacher	/'ti:tʃə/	معلم
teenager	/'ti:neɪdʒə/	نوجوان
their	/ðeə/	مال آنها
this	/ðɪs/	این
Thursday	/'θɜ:zdeɪ/	پنجشنبه
Tuesday	/'tju:zdeɪ/	سه شنبه
vet	/vet/	دامپزشک
watch	/wɒtʃ/	تماشا کردن
Wednesday	/'wenzdeɪ/	چهارشنبه

weekend	/wi:k'end/	تعطیلات) آخر هفته
wife	/waif/	همسر (زن)
window	/'wɪndəʊ/	پنجره
woman	/'wʊmən/	زن
write	/raɪt/	نوشتن
young	/jʌŋ/	جوان

Can you repeat that please?	ممکنه آنرا تکرار نمایید؟
Can you say that slowly please?	ممکنه آنرا آهسته بگویید؟
Can you write that please?	ممکنه آنرا بنویسید؟
Have a good weekend.	تعطیلات آخر هفته خوبی داشته باشید.
How do you spell that?	چگونه آنرا هجی می کنید؟
I don't know.	نمی دانم.
It's ten to five.	ساعت ده دقیقه به پنج است.
on Monday	در روز دوشنبه
See you tomorrow.	فردا می بینمتان.
What time is it?	ساعت چند است؟
What's that in English?	آن ... به انگلیسی چه می شود؟



Unit 3

Grammar

☑ حرف تعریف معین :

the حرف تعریف معین بوده و ماقبل اسامی که برای مخاطب مشخص باشد بکار می رود. حرف تعریف the قبل از اسامی مفرد و جمع می تواند بکار برده شود. مثال:

The window

(همان) پنجره (که می شناسی)

a window

پنجره ای

در درسهای آتی در مورد کاربرد حرف تعریف معین بیشتر خواهیم آموخت.

☑ جمع اسامی با قاعده :

برای بکاربردن اسامی در حالت جمع از es (هنگامیکه انتهای لغت به یکی از حروف ch, sh, s, x ختم شده باشد) و یا از s (در سایر موارد) استفاده می کنیم. مانند:

name ► names shop ► shops

church ► churches fax ► faxes

توجه: هنگامیکه انتهای لغت به y ختم شده باشد و ماقبل آن یکی از حروف بیصدا بیاید، هنگام افزودن s ، y به ies تبدیل می شود. مثال:

family ► families nationality ► nationalities

توجه: جمع اسامی بی قاعده از قانون خاصی پیروی نکرده و می بایست به تدریج آموخته شود. مثال:

child ► children person ► people

☑ حروف اضافه مکان :

حرف اضافه **in** برای مکانهای سرپوشیده مانند اتاق، همچنین وسایل نقلیه خصوصی بکار می رود. مثال:

She works **in** a big hotel.
They are **in** the playground.
He went to work **in** his car.

حرف اضافه **on** برای سطح مکانها، جاده و راه، همچنین برای وسایل نقلیه عمومی نیز بکار می رود. مثال:

We've got a villa **on** the Mediterranean coast.
We had a lovely holiday **on** the River Thames.
She got a job **on** a ship.
I don't like travelling **on** buses.

حرف اضافه **at** برای نقاط ویژه و مشخص مانند ایستگاه قطار، مدرسه و دانشگاه بکار می رود. مثال:

We met **at** the station.
Wait **at** the reception desk.
They're **at** work.
He's **at** home.
My daughter is **at** university.

توجه : چنانچه عبارتهای **at home** و **at work** و **at school** و ... به معنی انجام دادن فعالیت در محل باشد (مانند کارکردن ، سر کار بودن) بدون ذکر **a** و **an** ، حرف اضافه **at** بکار برده می شود. در غیر اینصورت چنانچه منظور از جمله، قرار گرفتن در موقعیت مکانی باشد از **in** استفاده می شود.

☑ کاربرد قید :

قید در جملات برای بیان چگونگی فعل استفاده می شود. مثال :

You speak English **well**.

شما **بخوبی** انگلیسی صحبت می کنید

قیدها به پنج دسته مهم تقسیم می شوند:

۱ - قید حالت ۲ - قید مکان ۳ - قید زمان ۴ - قید تکرار ۵ - قید مقدار

توجه: گاهی از کلماتی نظیر **very** (خیلی) و **quite** (نسبتاً) ماقبل قید حالت استفاده می شود. مثال:

You speak English **very well**.

She speaks English **quite well**.

در درسهای آتی درمورد انواع قید بیشتر خواهیم آموخت.



▼ Vocabulary

America	/ə'merikə/	آمریکا
American	/ə'merikən/	آمریکایی
Argentina	/ɑ:dʒen'ti:nə/	آرژانتین
Argentinian	/ɑ:dʒen'ti:njən/	آرژانتینی
Australia	/ə'streɪliə/	استرالیا
Australian	/ə'streɪliən/	استرالیایی
bike	/baɪk/	دوچرخه
bookshop	/'bʊkʃɒp/	کتاب فروشی
Brazil	/brə'zɪl/	برزیل
Brazilian	/brə'zɪliən/	برزیلی
bus	/bʌs/	اتوبوس
café	/'kæfeɪ/	کافه
Canada	/'kænədə/	کانادا
Canadian	/kə'neɪdiən/	کانادایی
capital	/'kæptɪl/	پایتخت
car park	/'kɑ: pɑ:k/	پارکینگ ماشین
cash machine	/'kæʃ məʃi:n/	صندوق
cinema	/'sməmə/	سینما
currency	/'kærənsi/	پول رایج کشور
chemist's	/'kemɪsts/	دارو فروشی
China	/'tʃaɪnə/	چین
Chinese	/'tʃaɪ'nɪz/	چینی
church	/'tʃɜ:tʃ/	کلیسا
Egypt	/'i:dzɪpt/	مصر
Egyptian	/'i:dzɪpʃjən/	مصری
euro	/'jʊərəʊ/	یورو
flat	/'flæt/	آپارتمان، مسطح
foreign	/'fɒrən/	خارجی
France	/'frɑ:ns/	فرانسه
French	/'frentʃ/	فرانسوی
German	/'dʒɜ:mən/	آلمانی
Germany	/'dʒɜ:məni/	آلمان

glass	/glɑ:s/	لیوان، شیشه
good at	/'gud ət/	خوب در ...
Greece	/gri:s/	یونان
Greek	/gri:k/	یونانی
house	/haus/	خانه
India	/'ndiə/	هند
Indian	/'ndiən/	هندی
Irish	/'aɪrɪʃ/	ایرلندی
island	/'aɪlənd/	جزیره
Italian	/'ɪtæliən/	ایتالیایی
Italy	/'ɪtəli/	ایتالیا
Japan	/dʒə'pæn/	ژاپن
Japanese	/dʒæpə'nɪz/	ژاپنی
language	/'læŋgwɪdʒ/	زبان
like	/'laɪk/	دوست داشتن، شبیه بودن
lorry	/'lɒri/	کامیون
market	/'mɑ:kt/	بازار
men	/'men/	مرد ها
music shop	/'mjuzɪk ʃɒp/	مرکز فروش موسیقی
nationality	/'næʃə'næləti/	ملیت
near	/'nɪə/	نزدیک
office	/'ɒfɪs/	اداره
other	/'ʌðə/	دیگر
page	/'peɪdʒ/	صفحه
park	/'pɑ:k/	پارک کردن ماشین، پارک
people	/'pi:pl/	مردم
person	/'pɜ:sn/	شخص
Peru	/'pə'ru:/	کشور پرو
Peruvian	/'pə'ru:vɪən/	اهل کشور پرو
place	/'pleɪs/	مکان
platform	/'plætfɔ:m/	سکو
plural	/'pluərəl/	جمع
really	/'ri:əli/	واقعا

restaurant	/'restrɒnt/	رستوران
Russian	/'rʌʃn/	روسی
shoe	/'ju:/	کفش
South Africa	/'sauθ 'æfrɪkə/	آفریقای جنوبی
South African	/'sauθ 'æfrɪkən/	اهل آفریقای جنوبی
Spain	/'spem/	اسپانیا
Spanish	/'spæniʃ/	اسپانیایی
speak	/'spi:k/	صحبت کردن
station	/'steɪʃn/	ایستگاه
supermarket	/'su:pəmə:kɪt/	سوپر مارکت
syllable	/'sɪləbl/	سیلاب
table	/'teɪbl/	میز
taxi	/'tæksi/	تاکسی
telephone	/'telɪfəʊn/	تلفن
ticket office	/'tɪkt ɒfɪs/	اداره یا اطاق بلیط فروشی
together	/'tə'geðə/	با همدیگر
toilet	/'tɔɪlət/	توالت، آرایش
train	/'treɪn/	قطار
tree	/'tri:/	درخت
Turkey	/'tʊ:ki/	ترکیه
Turkish	/'tʊ:kiʃ/	اهل کشور ترکیه
understand	/'ʌndə'stænd/	فهمیدن
USA	/'ju: es 'eɪ/	ایالات متحده آمریکا
very well	/'veri 'wel/	خیلی خوب
waiter	/'weɪtə/	پیشخدمت (مذکر)
women	/'wɪmm/	زنان

first language	زبان اصلی
What's the currency of your country?	پول رایج کشور شما چیست؟
What's the language of your country?	زبان رایج کشور شما چیست؟
What's this in English?	این ... به زبان انگلیسی چه می شود؟
What's your nationality?	ملیت شما چیست؟
Where are you from?	اهل کدام کشور هستید؟

Unit 4

Grammar

☑ سوم شخص مفرد در زمان حال ساده :

همانطور که در درسهای گذشته ذکر شد ، افعال سوم شخص در زمان حال ساده با اضافه شدن s (و یا es) به انتهای آنها صرف می شوند. مانند She works (او کار می کند)

توجه: زمانی که انتهای افعال سوم شخص به s , x , o , ch , sh ختم شود ، به انتهای آن es اضافه می گردد. مثال:

wash ► washes
 teach ► teaches
 dress ► dresses
 fix ► fixes

توجه: زمانی که انتهای افعال سوم شخص به y ختم شود ، y حذف گشته و بجای آن ies به انتهای فعل اضافه می شود. مثال :

cry ► cries
 try ► tries
 study ► studies
 worry ► worries

توجه: اگر انتهای افعال سوم شخص به ay , oy , uy ختم شود ، هنگام اضافه شدن s، یی تغییر می مانند. مثال :

stay ► stays
 buy ► buys
 enjoy ► enjoys



☑ قید تکرار :

قید تکرار برای نشان دادن تکرار فعل در جملات انگلیسی بکار برده می شوند. مهمترین این قید ها عبارتند از:

always, usually, often, sometimes, never

توجه: قید تکرار قبل از فعل اصلی و پس از فعل کمکی در جملات قرار می گیرد.
مثال:

I **sometimes** read the newspaper in the morning.

I don't **always** have breakfast.

Does he **often** work on Friday?

توجه: اگر فعل اصلی جمله **to be** باشد، قید تکرار پس از آن قرار می گیرند. مثال:

He is **usually** in his office at 9 a.m.

توجه: قید **never** در جملات منفی بکار برده نمی شود. مثال:

~~He doesn't **never** watch TV.~~

► He **never** watches TV.



▼ Vocabulary

airport	/'eəpɔ:t/	فرودگاه
alarm clock	/ə'lɑ:m klɒk/	ساعت زنگ دار
always	/'ɔ:lweɪz/	همیشه
April	/'eɪprəl/	ماه آوریل
August	/'ɔ:gəst/	ماه اوت
bathroom	/'bɑ:θru:m/	حمام
beach	/bi:tʃ/	ساحل
bed	/bed/	تخت
birthday	/'bɜ:θdeɪ/	تولد
bread	/bred/	نان
calendar	/'kælɪndə/	تقویم
cancelled	/'kænsld/	کنسل شده، باطل شده
celebrate	/'selbreɪt/	جشن گرفتن
closed	/klaʊzd/	بسته شده
coffee break	/'kɒfi breɪk/	زمان استراحت بین کار برای صرف قهوه
coffee machine	/'kɒfi məʃi:n/	قهوه ساز
date	/deɪt/	تاریخ، قرار گذاشتن
December	/drɪsembə/	ماه دسامبر
eat	/i:t/	خوردن
eighteenth	/eɪ'ti:nθ/	هجدهم
eighth	/eɪtθ/	هشتم
eleventh	/ɪ'levnθ/	یازدهم
exam	/ɪg'zæm/	آزمون، امتحان دادن
February	/'februəri/	ماه فوریه
fifteenth	/fɪf'ti:nθ/	پانزدهم
fifth	/fɪθ/	پنجم
first	/fɜ:st/	اول
fourteenth	/fo:'ti:nθ/	چهاردهم
fourth	/fɔ:θ/	چهارم
fruit	/fru:t/	میوه
full	/fʊl/	پر
garden	/'gɑ:dn/	باغ

go	/gəʊ/	رفتن
habits	/'hæbɪts/	عادت
half-price	/'ha:f praɪs/	نصف قیمت
have	/hæv/	داشتن
hear	/hɪə/	شنیدن
holiday	/'hɒlədeɪ/	روز تعطیل
hotel	/həʊ'tel/	هتل
into	/'ɪntu:/	در، داخل
January	/'dʒænjuəri/	ماه ژانویه
July	/dʒu'laɪ/	ماه ژولای
June	/dʒu:n/	ماه ژوئن
late	/leɪt/	دیر
leave	/li:v/	ترک کردن
live	/lɪv/	زندگی کردن
March	/'mɑ:tʃ/	ماه مارس
May	/meɪ/	ماه می
month	/'mʌnθ/	ماه
museum	/'mju:ziəm/	موزه
never	/'nevə/	هرگز
nineteenth	/'naɪnti:nθ/	نوزدهم
ninth	/'naɪnθ/	نهم
normal	/'nɔ:nl/	نرمال، عادی
November	/'nɒvəmbə/	ماه نوامبر
October	/'ɒktəʊbə/	ماه اکتبر
often	/'ɒfn/	اغلب
on	/ɒn/	در، بالای
open	/'əʊpən/	باز کردن
play	/pleɪ/	بازی کردن
private	/'praɪvət/	شخصی، خصوصی
second	/'sekənd/	دوم
September	/'sep'tembə/	ماه سپتامبر
seventeenth	/'sev'n'ti:nθ/	هفدهم
seventh	/'sev'nθ/	هفتم

shop	/ʃɒp/	مغازه
sit down	/sɪt daʊn/	نشستن
sixteenth	/sɪks'ti:nθ/	شانزدهم
sixth	/sɪksθ/	ششم
somebody	/'sʌmbədi/	کسی
sometimes	/'sʌmtaɪmz/	بعضی اوقات
study	/'stʌdi/	مطالعه کردن
tenth	/tenθ/	دهم
theatre	/'θiətə/	تئاتر
think	/θɪŋk/	فکر کردن
thirtieth	/'θɜ:ti:əθ/	سی ام
thirty-first	/'θɜ:ti fɜ:st/	سی و یکم
time	/taɪm/	زمان
twelfth	/twelfθ/	دوازدهم
twentieth	/'twentiəθ/	بیستم
twenty-first	/'twenti fɜ:st/	بیست و یکم
usually	/'ju:ʒuəli/	معمولا
without	/wɪ'ðaʊt/	بدون
work	/wɜ:k/	کار کردن

a long holiday	یک تعطیلی طولانی
at half past three	در ساعت سه و نیم
at the end of August	در پایان ماه اوت
at the weekend	در تعطیلات آخر هفته
bad news	خبر بد
be late for	برای ... دیر کردن
Brush your teeth!	دندانهایتان را مسواک بزنید!
Check your email!	پست الکترونیک خود را چک کنید!
come back to	بازگشت به ...
daily routines	امور روتین روزمره
end of term	پایان ترم
finish work	کار را تمام کردن
free entry	جاهای خالی

get dressed	لباس پوشیدن
get up	بلند شدن، برخاستن
go for a run	عازم شدن برای دویدن
go for lunch with	عازم شدن برای صرف نهار با کسی
go to bed at	در زمان ... به تخت خواب رفتن
go to work by	با وسیله ... به سر کار رفتن
Good luck!	موفق باشید!
good news	خبر خوب
have ... for breakfast	برای صبحانه ... میل کردن
have a shower	دوش گرفتن
have breakfast	صبحانه خوردن
have lunch with ...	با ... نهار خوردن
have tea or coffee	چای یا قهوه نوشیدن
How often ...?	هر چند وقت یکبار ... ?
I see.	متوجه هستم.
leave the house	متزل را ترک کردن
leave work	محل کار را ترک کردن
listen to the radio	به رادیو گوش کردن
main meal	غذای اصلی
No entry.	ورود ممنوع!
No vacancies.	فاقد جای خالی!
not bad	بد نیست
Not very often.	نه اغلب، به ندرت
out of order	خراب
Please help yourself.	لطفاً از خودتان پذیرایی نمایید!
read a newspaper	خواندن روزنامه
so so	نه خوب و نه بد
Sold out.	فروخته شده!
That's great!	عالی است!
wake up	از خواب بیدار شدن
watch breakfast TV	تماشا کردن برنامه های کوتاه تلویزیونی هنگام صرف صبحانه
Well done!	عالی است!
What's wrong?	چه شده است؟

Unit 5

Grammar

☑ ضمایر مفعولی :

ضمیر مفعولی، کلمه ای است که بجای مفعول می نشیند تا از تکرار آن در جمله جلوگیری نماید. ضمایر مفعولی عبارتند از:

me you him her it
us you them

مثال:

She likes **him**.

He speaks to **her** in French.

She watches **it** in the evening.

☑ کاربرد صفت :

صفت در جملات برای بیان توضیح در خصوص اسم بکار می رود. مثال :

a **red** book, an **old** man, a **small** car, an **English** teacher

توجه کنید که صفت قبل از اسم بکار می رود. هنگامیکه دو صفت متوالی در جمله بکار می رود، رنگ پس از سایر صفتها بکار برده می شود. مثال:

a **big green** house

a **new black** bag

☑ کاربرد have got :

has got و have got (برای سوم شخص مفرد) برای بیان دارایی در زمان حال ساده بکار می رود. مثال:

I **have got** a computer.

You've **got** a phone.

He **has got** a blue bag.

She's **got** a clock.

در این جملات **have/has** بصورت فعل کمکی قرار داشته و برای سوالی کردن جملات کافیسیت جای آنرا با فاعل عوض نماییم. همچنین با افزودن **not** به **have/has** می توان جملات را به جمله پرسشی تبدیل نمود. مثال:

I haven't got a computer.

Have I got a computer?

He hasn't got a blue bag.

Has he got a blue bag?

توجه: نحوه پاسخ کوتاه به اینگونه جملات پرسشی بصورت زیر می باشد:

Have you got a phone?

Yes, I have.

Has she got a clock?

No, she hasn't.

Has it got a battery?

Yes, it has.

توجه: اگر در جملات فوق از **have/has** بجای **have/has got** استفاده نماییم، **have/has** بصورت فعل کمکی ذکر نمی شود و در جملات سوالی و منفی می بایست از حالت‌های مناسب فعل **to be** استفاده کنیم. مثال:

I have a computer.

▶ **I don't have a computer.**

Do you have a computer?

▶ **No, I don't.**

She has a clock.

▶ **She doesn't have a clock.**

Does she have a clock?

▶ **No, she doesn't.**



📌 Vocabulary

battery	/'bætri/	باتری
big	/big/	بزرگ
black	/blæk/	مشکی
blank CDs	/'blænk si: 'di:z/	سی دی های خام
blond	/blɒnd/	بور
blue	/blu:/	آبی
blues	/bluz:/	نوعی موسیقی جاز
brown	/braʊn/	قهوه ای
car	/kɑ:/	ماشین
cat	/kæt/	گربه
catalogue	/'kætələg/	بروشور
chocolate	/'tʃɒklət/	شکلات
computer	/kəm'pjʊtə/	رایانه
dog	/dɒg/	سگ
dog food	/'dɒg fu:d/	غذای سگ
DVD player	/di: vi: 'di:z pleɪə/	دستگاه پخش دی وی دی
expensive	/'ɛkspensɪv/	گران
eyes	/aɪz/	چشمان
fat	/fæt/	چاق، چربی
file	/faɪl/	پرونده
gift	/gɪft/	هدیه
give	/gɪv/	دادن
green	/grɪn/	سبز
grey	/greɪ/	خاکستری
hair	/heə/	مو
interests	/'ɪntrests/	علاقه مندیها
introduce	/ɪntrə'dju:s/	معرفی کردن
jazz	/dʒæz/	موسیقی جاز
little	/'lɪtl/	کوچک
long	/lɒŋ/	بلند
love	/lʌv/	عشق ورزیدن
me	/mi:/	من را، به من

mini-	/'mɪni/	کوچولو
neighbour	/'neɪbə/	همسایه
new	/nju:/	جدید
notebook	/'nəʊtbʊk/	دفتر یادداشت
old	/əʊld/	پیر
paper	/'peɪpə/	کاغذ
pen	/'pen/	قلم
pencil	/'pensl/	مداد
present	/'preznt/	هم اکنون
printer	/'prɪntə/	چاپ گر
printer ink	/'prɪntə rɪŋk/	جوهر چاپ گر
rat	/ræt/	موش صحرائی
red	/red/	قرمز
rubber	/'rʌbə/	پاک کن، لاستیک
ruler	/'ru:lə/	خط کش
self-portrait	/self 'pɔ:treɪt/	تصویری که نقاش از خود بکشد.
short	/ʃɔ:t/	کوتاه
small	/smɔ:l/	کوچک
tall	/tɔ:l/	بلند
them	/ðem/	آنها را ، به آنها
thin	/θɪn/	لاغر، نازک
tie	/taɪ/	کروات
us	/ʌs/	ما را، به ما
white	/waɪt/	سفید
yellow	/'jeləʊ/	زرد

Anything else?	چیز دیگری (نمی خواهید) ؟
Do you know my friend, ...?	آیا ... دوست من را می شناسید؟
Excuse me, can you help me?	بخشید، ممکنه من را کمک کنید؟
Have you got a / any ...?	آیا ... دارید؟
Here you are.	بفرمایید!
I haven't got any ...	ندارم.

Unit 6

Grammar

☑ اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش :

اسامی شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش هستند. مانند کتاب ، میز و ... اسم جمع این اسامی با s (و یا es) همراه می باشد. مانند: books , tables
 اسامی غیر شمارشی به اسامی گفته می شود که قابل شمارش نیستند. مانند آب، نمک، حیوانات و ... اسامی غیر شمارشی بصورت مفرد در جمله ظاهر می شوند و هنگامی که بخواهیم اسامی غیر شمارشی را بصورت جمع در جمله بکار ببریم از عبارتهایی نظیر قطعه ، لیوان ، کیلو و ... بسته به نوع اسم استفاده می کنیم.
 مثال :

two glasses of water دو لیوان آب

two kilos of rice دو کیلو برنج

three pieces of bread سه تکه نان

توجه: فعل اسامی غیر قابل شمارشی، بصورت مفرد در جملات بکار می رود. مثال:

Fat **isn't** good for you.

چربی برای شما خوب نیست.

Mathematics **is** my favorite subject.

ریاضیات موضوع مورد علاقه من است.

توجه: ماقبل اسامی غیر قابل شمارش از a, an استفاده نمی شود. ولی می توان از the هنگامی که به اشیای خاصی اشاره می شود استفاده نمود. مانند: **the water**

☑ کاربرد some, any :

some به معنی چندانایی و مقداری ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

I've got **some** oranges.

من تعدادی پرتقال دارم.

I've got **some** water.

من مقداری آب دارم.

از آنجاییکه **some** تنها در جملات مثبت بکار می رود، بجای آن در جملات منفی و سوالی از **any** استفاده می شود. مثال:

I haven't got **any** apples.

من هیچ سیبی ندارم.

Have you got **any** bread?

آیا مقداری نان دارید؟

توجه: همانگونه که ذکر شد، **some** و **any** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و همچنین اسامی قابل شمارش جمع بکار برده می شوند.

☑ کاربرد **much, many, a lot of** :

much به معنی **مقدار زیاد** ماقبل اسامی غیر قابل شمارش و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

How **much** water is there?

There isn't **much** water.

many به معنی **تعداد زیاد** ماقبل اسامی قابل شمارش جمع و در جملات منفی و سوالی بکار می رود. مثال:

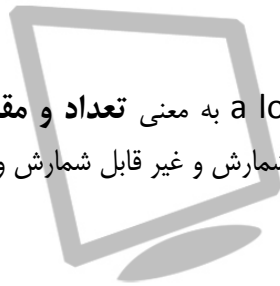
How **many** oranges are there?

There aren't **many** eggs.

a lot of به معنی **تعداد و مقدار زیاد** بجای **much** و **many** ماقبل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش و در جملات مثبت بکار می رود. مثال:

There are **a lot of** oranges.

There is **a lot of** water.



▼ Vocabulary

and	/ænd/	و
any	/'eni/	هیچی
apple	/'æpl/	سیب
bean	/'bi:m/	لوبیا
biscuit	/'bɪskɪt/	بیسکویت
book	/'bʊk/	کتاب
cake	/'keɪk/	کیک
carrot	/'kærət/	هویج
cereal	/'sɪəriəl/	غله، حبوبات
cheap	/'tʃi:p/	ارزان
cheese	/'tʃi:z/	پنیر
chicken	/'tsɪkɪn/	جوجه
chips	/'tʃɪps/	چیپس
course	/'kɔ:s/	وعده غذای اصلی، دوره آموزشی
cream	/'kri:m/	سر شیر، خامه
crisps	/'krisps/	چیپس
dessert	/'di:'zɜ:t/	دسر
egg	/'eg/	تخم مرغ
fish	/'fɪʃ/	ماهی
food	/'fʊd/	غذا
free	/'fri:/	رایگان
jam	/'dʒæm/	مربا
lunch	/'lʌntʃ/	نهار
meat	/'mi:t/	گوشت
milk	/'mɪlk/	شیر
menu	/'menju:/	منو
onion	/'ʌnjən/	پیاز
pasta	/'pæstə/	پاستا
peas	/'pi:z/	نخود فرنگی
pie	/'paɪ/	پای
piece	/'pi:s/	قطعه، تکه
pizza	/'pɪtsə/	پیتزا

potato	/pə'tetəʊ/	سیب زمینی
price	/praɪs/	قیمت
rice	/raɪs/	برنج
salad	/'sæləd/	سالاد
salt	/sɔ:lt/	نمک
sandwich	/'sænwɪtʃ/	ساندویچ
sausage	/'sɔ:sɪdʒ/	سوسیس
some	/sʌm/	مقداری
soup	/su:p/	سوپ
steak	/steɪk/	استیک
sugar	/'ʃʊgə/	شکر
tea	/ti:/	چای
tea bag	/'ti: bæɡ/	چای کیسه ای
tip	/tɪp/	انعام
toasted	/'təʊstɪd/	برشته شده
tomato	/tə'mætəʊ/	گوجه فرنگی
TV	/ti: 'vi:/	تلویزیون
vegetable	/'vedʒtəbl/	سبزیجات
water	/'wɔ:tə/	آب
with	/wɪð/	با
yogurt	/'jɒɡət/	ماست



a cinema ticket	یک بلیط سینما
a cup of coffee	یک فنجان قهوه
a lot	خیلی زیاد
Are there any ...?	آیا مقداری ... موجود است؟
a ticket to Australia	یک بلیط به استرالیا
Can I help you?	آیا می توانم کمکتان کنم؟
Do you take sugar?	آیا شکر می ریزید؟ (میل دارید؟)
fruit salad	سالاد میوه
Have you got any?	آیا ... دارید؟
Help yourself!	از خودتان پذیرایی کنید!
How many do you need?	چند تا احتیاج دارید؟
How much do you want?	چه مقدار می خواهید؟
How much is ...?	قیمت ... چقدر است؟
I'd like a biscuit.	بیسکویت میل دارم.
not many	نه خیلی زیاد
not much	نه خیلی زیاد
Sorry. We haven't got any	متاسفم، ما هیچ چیز از ... نداریم.
We've got some ...	ما مقداری ... داریم.
Would you like a crisp?	آیا چیپس میل دارید؟
Would you like another?	آیا یکی دیگر میل دارید؟
Would you like anything to drink?	چیزی برای نوشیدنی میل دارید؟



Unit 7

Grammar

☑ بیان پیشنهاد :

Let's ... به معنی **بیاوید** ... و ... How about ... به معنی ... **چطور؟** برای بیان پیشنهاد در جملات زبان انگلیسی بکار می رود.

توجه کنید که Let's ماقبل حالت ساده فعل در جملات قرار می گیرد. مثال:

Let's go to the cinema.

بیاوید به سینما برویم.

How about ... ماقبل حالت -ing دار فعل و یا ماقبل اسم بکار می رود. مثال:

How about a cup of tea?

یک فنجان چای چطور است؟

How about going to the cinema?

چطور است که به سینما برویم؟

توجه: حالت‌های -ing دار افعال را در درسهای آتی خواهیم آموخت.

☑ بیان توانستن :

can به معنی **(امکان داشتن و توانستن)** در جملات بکار می رود. مثال :

I can speak English.

من می توانم انگلیسی صحبت کنم.

We can run fast.

ما می توانیم سریع بدویم.

در این ساختار can فعل کمکی می باشد. بنابراین برای ساختن جمله منفی باید not را به آن اضافه نماییم و یا برای جملات پرسشی می بایست can را به ابتدای جمله بیاوریم. (توجه داشته باشید که can't حالت مخفف can not می باشد).

مثال :

I **can't** speak Russian.

Can we skate?

No, you **can't**.

توجه : can به مفهوم (اجازه داشتن) نیز در جملات بکار می رود و در درسهای آتی با آن بیشتر آشنا خواهیم شد.

☑ قید حالت :

همانطور که در درسهای گذشته دیدیم قید در جملات برای بیان چگونگی فعل استفاده می شود. قیدها اغلب با افزودن **ly** به انتهای صفت ساخته می شوند. مانند:

slow ► slowly

توجه داشته باشید که اگر انتهای صفت به **y** ختم شده و ماقبل **y** یکی از حروف بیصدا قرار داشته باشد، **y** به **i** تبدیل شده و به آن **ly** افزوده می شود. مثال:

easy ► easily

توجه: برخی قیدها بی قاعده بوده و می بایست به تدریج آموخته شوند. مانند:

good ► well

fast ► fast

توجه: قید حالت پس از فعل و اغلب در انتهای جملات نوشته می شود. مثال:

Do your homework **quickly**.

📌 Vocabulary

a lot of	/ə 'lɒt əv/	مقدار یا تعداد زیادی از ...
about	/ə'baʊt/	درباره
also	/'ɔ:lsoʊ/	همچنین
average	/'ævərɪdʒ/	متوسط
badly	/'bædli/	به بدی
ball	/bɔ:l/	توپ
can	/kæn/	توانستن
climb	/klaɪm/	بالا رفتن
cloud	/klaʊd/	ابر
cloudy	/'klaʊdi/	ابری
cold	/kəʊld/	سرد
cook	/kʊk/	پختن
cool	/ku:l/	خنک
draw	/drɔ:/	کشیدن
drive	/draɪv/	رانندگی کردن
dry	/draɪ/	خشک کردن
easily	/'i:zəli/	به آسانی
enjoy	/m'dʒɔɪ/	لذت بردن
exercise	/'eksəsaɪz/	ورزش کردن، تمرین کردن
field	/fi:ld/	میدان
free time	/fri: taim/	وقت آزاد
fun	/fʌn/	تفریح کردن
guitar	/gɪ'ta:/	گیتار
hate	/heit/	متنفر بودن
hobbies	/'hɒbɪz/	سرگرمیها
hot	/hɒt/	داغ
ice	/aɪs/	یخ
icy	/'aɪsi/	یخی
jump	/dʒʌmp/	بالا پریدن
kick	/kɪk/	لگد زدن
lake	/leɪk/	دریاچه
like	/laɪk/	دوست داشتن، شبیه بودن

love	/lʌv/	عشق ورزیدن
magazines	/mægə'zi:nz/	مجلات
meet	/mi:t/	ملاقات کردن
mountains	/'maʊntənz/	کوهستان
nature	/'neɪtʃə/	طبیعت
paint	/'peɪnt/	نقاشی کردن
rain	/'rem/	باران
rainy	/'remi/	بارانی
relaxing	/'ri:læksɪŋ/	راحتی
ride	/'raɪd/	سوار شدن
river	/'rɪvə/	رود
run	/'rʌn/	دویدن
sit	/'sɪt/	نشستن
skate	/'skeɪt/	اسکیت بازی کردن
ski	/'ski:/	اسکی کردن
slowly	/'sləʊli/	به آرامی
snow	/'snəʊ/	برف
snowy	/'snəʊi/	برفی
stamps	/'stæmps/	تمبرها
stand	/'stænd/	ایستادن
sun	/'sʌn/	خورشید
sunny	/'sʌni/	آفتابی
swim	/'swɪm/	شنا کردن
that	/'ðæt/	آن
walk	/'wɔ:k/	قدم زدن
wall	/'wɔ:l/	دیوار
warm	/'wɔ:ɪm/	گرم
weather	/'weðə/	هوا
wet	/'wet/	مرطوب
wind	/'wɪnd/	باد
windy	/'wɪndi/	بادی، پر باد

Can you ...?	آیا می توانید ... ؟
go fishing	ماهیگیری
go for a run	برای دویدن عازم شدن
go for a swim	برای شنا عازم شدن
go roller-skating	برای اسکیت عازم شدن
go sailing	قایق سواری
How about (the park)?	نظرتان در مورد پارک چیست؟
I don't like را نمی پسندم.
kick a ball	به توپ لگد زدن
Let's go out.	بیایید بیرون برویم.
no problem	مساله ای نیست.
not very well	نه خیلی خوب
one book a month	ماهی یک کتاب
play basketball	بسکتبال بازی کردن
play table tennis	تنیس روی میز بازی کردن
play the guitar	گیتار نواختن
read a book	کتاب خواندن
read the newspaper	روزنامه خواندن
ride a bike	دوچرخه سواری کردن
spend a lot of time (doing)	وقت زیادی برای ... صرف کردن
taking photo	عکس گرفتن
very slowly	خیلی به آرامی
What shall we do?	قصد داریم چکار کنیم؟
What's the weather like?	هوا چگونه است؟
Where shall we go?	قصد داریم کجا برویم؟



Unit 8

Grammar

Would like در بیان پیشنهاد و درخواست :

از عبارت **would like** برای بیان پیشنهاد یا درخواست انجام کاری بصورت‌های زیر استفاده می‌شود:

Would you like a glass of water?

آیا یک لیوان آب میل دارید؟

I would like a cup of tea.

یک فنجان چای میل دارم.

I would like to go to Italy.

مایلم که به ایتالیا بروم.

همانطور که می‌بینید، عبارتی که پس از **would like** قرار می‌گیرد، بصورت اسم و یا مصدر با **to** ذکر می‌شود.

توجه: 'd صورت مخفف **would like** می‌باشد. مثال:

I'd like to go to Italy.

زمان حال استمراری:

فعل حال استمراری رویدادی است که در زمان حاضر در حال وقوع بوده و همچنین تکرار پذیر باشد. مثال :

I am smoking now.

هم اکنون من دارم سیگار می‌کشم.

جمله فوق استمرار سیگار کشیدن در حال حاضر را نشان می دهد. در حالیکه جمله I smoke a cigarette به مفهوم عادت سیگار کشیدن است. (من کلا سیگار می کشم)

ساختار جملات حال استمراری بصورت زیر می باشد:

ing + فعل اصلی + am, is, are + فاعل

مثال:

I am wearing jeans.
You are walking to work.
It is working.

توجه : برای ساختن ترکیبهای منفی زمان حال استمراری، کافیسیت پس از افعال am, is, are از واژه not استفاده نماییم. همچنین جملات سوالی با آوردن am, is, are به ابتدای جمله ساخته می شوند. مثال :

I am not wearing jeans.

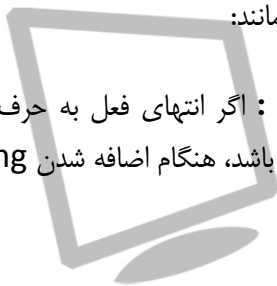
Are you walking to work?
Yes, I am.
No, I am not.

توجه : اگر انتهای فعل به e ختم شود، هنگام اضافه شدن -ing به آن، e حذف می شود. مانند:

write ► writing

توجه : اگر انتهای فعل به حرف بی صدا ختم شود و ماقبل آن حرف صدادار قرار داشته باشد، هنگام اضافه شدن -ing به فعل، حرف بی صدا تکرار می شود. مانند:

run ► running



☑ افعال حرکتی و غیر حرکتی :

افعال حرکتی یا action verbs افعالی هستند که صورت گرفتن عملی را نشان می دهند. مانند: دویدن، راه رفتن، نوشتن و ...

افعال غیر حرکتی یا state verbs افعالی هستند که برای نشان دادن حالتی بکار می روند. مانند متنفر بودن، دوست داشتن، ترجیح دادن و ...

مهمترین افعال غیر حرکتی عبارتند از :

Thinking & opinions: believe, feel, hate, know, like, love, prefer, think, understand, want

Sense: appear, feel, look, seem, smell, sound, taste

توجه : افعال غیر حرکتی معمولاً بصورت استمراری (ing دار) بکار برده نمی شوند.
مثال:

I feel cold.

I see her.

David likes art and music.

Phil and Julie have three children.



📌 Vocabulary

alone	/ə'leɪn/	به تنهایی
arrive	/ə'raɪv/	رسیدن
aunt	/ɑ:nt/	عمه، خاله، زن دایی، زن عمو
birds	/bɜ:dz/	پرنده‌گان
boots	/bu:tz/	چکمه (جفت)
boring	/'bɔ:ɪɪŋ/	خسته کننده
busy	/'bɪzi/	مشغول
but	/bʌt/	ولی
cap	/kæp/	کلاه، سرپوش
coat	/kəʊt/	کت
conversation	/kɒnvə'seɪʃn/	مکالمه، گفتگو
customer	/'kʌstəmə/	مشتری
dinner party	/'dɪnə 'pɑ:ti/	میهمانی شام
dress	/dres/	لباس
exciting	/ɪk'saɪtɪŋ/	هیجان انگیز
favourite	/'feɪvərɪt/	مطلوب، برگزیده
fridge	/frɪdʒ/	یخچال
hat	/hæt/	کلاه
Internet	/'ɪntənət/	شبکه اینترنت
invite	/ɪn'vaɪt/	دعوت کردن
jacket	/'dʒækɪt/	ژاکت
jeans	/'dʒi:nz/	جین
laugh	/lɑ:f/	خندیدن
long skirt	/lɒŋ skɜ:t/	دامن بلند
lunch time	/'lʌntʃ taɪm/	وقت نهار
mail box	/'meɪl bɒks/	صندوق پستی
moment	/'məʊmənt/	لحظه، زمان
musicians	/'mju:zɪfɪnz/	موسیقی دان
newspaper	/'nju:zpeɪpə/	روزنامه
nobody	/'nəʊbɒdi/	هیچ کس
phone call	/'fəʊn kɔ:l/	تماس تلفنی
plan	/plæn/	برنامه ریزی کردن

problem	/'prɒbləm/	مشکل
quiet	/'kwaɪət/	ساکت کردن
sandals	/'sændlz/	صندل (جفت)
shirt	/'ʃɜ:t/	پیراهن
shoes	/'ʃu:z/	کفش (جفت)
shopping	/'ʃɒpɪŋ/	خرید
short skirt	/'ʃɔ:t skɜ:t/	دامن کوتاه
shorts	/'ʃɔ:ts/	شلوارک
smile	/smaɪl/	لبخند زدن
strange	/streɪndʒ/	عجیب و غریب
suit	/su:t/	کت و شلوار
sweater	/'swetə/	پلیور
tape	/teɪp/	نوار
tie	/taɪ/	کروات
trousers	/'traʊzəz/	شلوار
T-shirt	/'ti: ʃɜ:t/	تیشرت
uncle	/'ʌŋkl/	عمو، دایی
wear	/weə/	پوشیدن
wedding	/'wedɪŋ/	جشن عروسی



after class	بعد از کلاس
Are you enjoying it?	آیا از آن لذت می برید؟
arrive home	به منزل رسیدن
get dressed	لباس پوشیدن
go for a coffee	برای نوشیدن قهوه عازم شدن
go for a drink	برای نوشیدن عازم شدن
go for a run	برای دویدن عازم شدن
go for a sandwich	برای ساندویچ عازم شدن
go for a walk	برای قدم زدن عازم شدن
go to the cinema	به سینما رفتن
go to the gym	به تمرین ژیمناستیک رفتن
go to the park	به پارک رفتن
go to the pool	به استخر رفتن
go to the shops	به بازار رفتن
have a drink	نوشیدنی میل کردن
have a shower	دوش گرفتن
have fun	تفریح کردن
No thanks – I haven't got time.	نه متشکرم - وقت ندارم.
play the saxophone	ساکسیفون نواختن
See you later.	بعدا می بینمتان
What are you reading?	چه چیزی می خوانید؟
What shall I wear?	بهتر است چه چیزی بپوشم؟
Yes, sure.	بله، مطمئناً.



Unit 9

Grammar

☑ زمان گذشته ساده :

زمان گذشته ساده برای بیان فعلی استفاده می شود که در گذشته اتفاق افتاده و خاتمه پیدا کرده باشد. مثال :

I worked yesterday.

من دیروز کار کردم.

ساختار زمان گذشته ساده بصورت زیر می باشد:

گذشته فعل اصلی + فاعل

توجه : افعال با قاعده با افزودن -ed به انتهای آنها به فعل گذشته ساده تبدیل می گردند. مانند :

rain ► rained

work ► worked

توجه : زمانیکه انتهای فعل به e ختم شده باشد، برای ساختن زمان گذشته فعل ، افزودن -d به انتهای آن کافی می باشد. مثال :

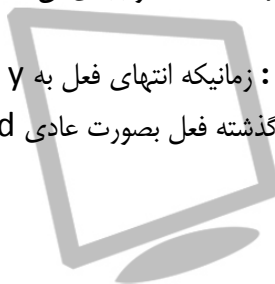
exercise ► exercised

توجه : زمانیکه انتهای فعل به y ختم شده باشد و قبل از y حرف بیصدا وجود داشته باشد، y حذف شده و بجای آن -ied قرار می گیرد. مانند :

study ► studied

توجه : زمانیکه انتهای فعل به y ختم شده باشد و قبل از y حرف صدادار وجود داشته باشد، گذشته فعل بصورت عادی -yed نوشته می شود. مانند :

play ► played



توجه : اگر انتهای فعل به حروف صدا دار (a, e, l, o, u) ختم نشود ولی ماقبل آن حرف صدا دار باشد، هنگام اضافه شدن -ed حرف آخر تکرار می شود. مانند :
stop ► stopped

☑ ترکیبهای مختلف جملات زمان گذشته ساده :

همانطور که گفته شد ساختار جملات گذشته ساده بصورت **فاعل + گذشته فعل اصلی** می باشد. جملات پرسشی گذشته ساده با افزودن **did** به ابتدای جمله و تبدیل فعل اصلی به وضعیت حال ساده ساخته می شوند. مانند:

Did you watch TV last night?

جملات منفی گذشته ساده نیز با افزودن **didn't** ماقبل فعل اصلی و تبدیل فعل اصلی به وضعیت حال ساده ساخته می شوند. مانند:

I didn't watch TV last night.

به افعالی از قبیل **did** فعل کمکی گفته می شود. این افعال جهت ساختن زمانهای مختلف بکار رفته و به تنهایی معنایی ندارند.

توجه : همانطور که گفته شد همیشه از فعل کمکی **did** در ابتدای جمله برای ساختن جملات پرسشی و از فعل کمکی **didn't** ماقبل فعل اصلی برای ساختن جملات منفی استفاده می شود. زمانیکه فعل اصلی جمله از ترکیبات **be** (was / were) باشد، جملات پرسشی و منفی بدون استفاده از **did** و **didn't** و بصورت زیر نوشته می شوند. مثال:

I was late.

I wasn't late.

Was I late?

You were happy.

You weren't happy.

Were you happy?



▼ Vocabulary

abroad	/ə'brɔ:ɪd/	خارج از کشور
across	/ə'krɒs/	سرتاسر، از میان
after	/'ɑ:ftə/	پس از
art gallery	/'ɑ:t 'gæləri/	گالری هنری
ask	/ɑ:sk/	پرسیدن
away	/ə'wei/	کنار، دور از
bank	/bæŋk/	بانک
beautiful	/'bjʊ:tɪfl/	زیبا
between	/'bi:twi:n/	میان
body	/'bɒdi/	بدن
bridge	/'brɪdʒ/	پل
bus station	/'bʌs 'steɪʃən/	ایستگاه اتوبوس
call	/kɔ:l/	صدا زدن
castle	/'kɑ:sl/	قلعه
change	/tʃeɪndʒ/	عوض کردن
city	/'sɪti/	شهر
clean	/kli:n/	تمیز کردن
clinic	/'kli:nɪk/	درمانگاه
close	/kləʊz/	بستن
concert	/'kɒnsət/	کنسرت
corner	/kɔ:nə/	گوشه، نش
cross	/krɒs/	عبور دادن، رویرو شدن
crowded	/'kraʊdɪd/	شلوغ، پر ازدحام
dead	/ded/	منسوخ، مرده
decide	/drɪ'saɪd/	تصمیم گرفتن
departure gate	/drɪ'pɑ:tʃə geɪt/	گیت خروجی
directions	/də'rekʃnz/	جهات
dirty	/'dɜ:ti/	کثیف
empty	/'empti/	خالی
end	/end/	تمام کردن
famous	/'feɪməs/	مشهور
follow	/'fɒləʊ/	پیروی کردن، دنبال کردن

football stadium	/'fʊtbɔ:l 'stɛrdiəm/	استادیوم فوتبال
forest	/'fɒrɪst/	جنگل، بیشه
friendly	/'frendli/	دوستانه
full of	/'fʊl əv/	پر از
gate	/geɪt/	گیت، دروازه
greetings	/'grɪtɪŋz/	سلام و احوالپرسی
happened	/'hæpənd/	اتفاق افتادن
health centre	/helθ 'sentə/	مرکز تندرستی
hospital	/'hɒspɪtl/	بیمارستان
inside	/m'saɪd/	درون
interesting	/'ɪntrəstɪŋ/	جالب
knock	/nɒk/	ضربه زدن، کوبیدن
last summer	/lɑ:st 'sʌmə/	تابستان گذشته
last year	/lɑ:st 'jɪə/	سال گذشته
line	/laɪn/	خط
lights	/laɪts/	چراغها، چراغ راهنمایی (در اینجا)
move	/mu:v/	حرکت کردن
next to	/'nekst tu:/	مجاور
nice	/naɪs/	دلپذیر، مطلوب
noisy	/'nɔɪzi/	پرسر و صدا
notice	/'nɔʊtɪs/	توجه کردن
opposite	/'ɒpəzɪt/	مقابل، برعکس
out of	/'aʊt əv/	خارج از
personality	/pɜ:sə'næləti/	شخصیت، خصوصیات فردی
phone box	/'fəʊn bɒks/	کیوسک تلفن همگانی
plane	/'pleɪn/	هواپیما
police station	/'pɔ:'li:s 'steɪʃən/	محل استقرار پلیس
pool	/'pu:l/	استخر
post office	/'pəʊst ɒfɪs/	پستخانه
postcard	/'pəʊstkɑ:d/	کارت پستال
push	/'puʃ/	فشار دادن
return ticket	/'rɪ'tɜ:n 'tɪkɪt/	بلیط بازگشت از سفر
road	/'rəʊd/	جاده

shopping centre	centre /'ʃɒpɪŋ sentə/	مرکز خرید
sleepy	/'sli:pi/	خواب آلود
something	/'sʌmθɪŋ/	چیزی
souvenir	/'su:və'niə/	سوغاتی
start	/'stɑ:t/	شروع کردن
stay	/'steɪ/	ماندن
stop	/'stɒp/	ایستادن
story	/'stɔ:ri/	داستان
straight on	/'streɪt ɒn/	مستقیم رفتن
take	/'teɪk/	گرفتن، برداشتن
tell	/'tel/	بیان کردن
the same	/'ðə 'seɪm/	یکسان
then	/'ðen/	سپس
train station	/'treɪn 'steɪʃn /	ایستگاه قطار
turn left	/'tɜ:n left/	پیچیدن به سمت چپ
turn right	/'tɜ:n raɪt/	پیچیدن به سمت راست
turn round	/'tɜ:n raʊnd/	دور زدن
typical	/'tɪpɪkl/	معمولی
ugly	/'ʌgli/	زشت
uncomfortable	/'ʌn'kʌmfətəbl/	ناخوشایند
underground station	/'ʌndəgraʊnd 'steɪʃn/	ایستگاه مترو
unfriendly	/'ʌn'frendli/	غیر دوستانه، غیر مساعد
university	/'ju:nɪ'vɜ:səti/	دانشگاه
view	/'vju:/	منظره، عقیده
visit	/'vɪzɪt/	دیدن
wait	/'weɪt/	صبر کردن
wrong	/'rɒŋ/	نادرست
yesterday	/'jestədeɪ/	دیروز
youth hostel	/'ju:θ hostl/	مهمانسرای ارزان ویژه جوانان

a comfortable room	اطاقی راحت
a crowded beach	ساحلی شلوغ
a noisy building site	محوطه ساختمانی پر سروصدا

a quiet pool	استخری آرام
a sea view	منظره ای از دریا
at the corner	در گوشه، سر نبش
cheap restaurants	رستورانهای ارزان
dirty restaurants	رستورانهای کثیف
exciting nightlife	گردش شبانه هیجان انگیز
Excuse me, is there a ... near here?	ببخشید، آیا ... نزدیک اینجا است؟
Excuse me, where's ...?	ببخشید، ... کجاست؟
friendly people	مردم مهربان
Go across the bridge.	از میان پل عبور کن.
Go straight on.	مستقیم برو.
How can I get to ...?	چگونه می توانم به ... برسم؟
How do you pronounce this, please?	این را چگونه تلفظ می کنید؟
It takes (five) minutes.	پنج دقیقه طول می کشد.
It's (two) stops from ...	دو ایستگاه از ...
It's great.	عالی است.
just over there	همان جا، آنطرف
See you soon.	بزودی می بینم.
take the bus	سوار اتوبوس شدن
the end of the line	انتهای خط
There's a (bus) every (five) minutes.	هر پنج دقیقه یک اتوبوس می آید.
Turn left at the corner.	سر نبش به چپ بپیچید.
Turn right at the lights.	نبش چراغ راهنمایی به سمت راست بپیچید.
walk across	از میان ... پیاده رفتن
Was it good?	خوب بود؟
Was the (weather) nice?	هوا دلپذیر بود؟
wet weather	هوای مرطوب
What are you doing now?	دارید چکار می کنید؟
What did you do yesterday?	دیروز چکار کردید؟
What was the (weather) like?	هوا چگونه بود؟
Where are you?	کجا هستید؟
Who were you with?	با چه کسی بودید؟
You can walk there in an hour.	می توانید پیاده یک ساعته آنجا برسید.

Unit 10

Grammar

☑ افعال بی قاعده در زمان گذشته ساده:

افعال بی قاعده در زمان گذشته ساده با اضافه نمودن -ed به انتهای آنها ساخته نشده و ساختار فعل عوض می شود. مثال :

go ► went :

I went to school. من به مدرسه رفتم.

فهرست مهمترین افعال بی قاعده به همراه گذشته آنها عبارتند از:

do ► did	انجام دادن	have ► had	داشتن	go ► went	رفتن
come ► came	آمدن	eat ► ate	خوردن	fly ► flew	پرواز کردن
get ► got	بدست آوردن	give ► gave	دادن	ride ► rode	سوار شدن
say ► said	گفتن	see ► saw	دیدن	sit ► sat	نشستن
stand ► stood	ایستادن	leave ► left	ترک کردن		
take ► took	گرفتن - بردن	drive ► drove	رانندگی کردن		

☑ جملات پرسشی با WH :

کلمات پرسشی با WH جهت پرسیدن اطلاعات بیشتر در خصوص اجزای جمله بکار می روند. عمده ترین کلمات پرسشی عبارتند از:

Who به معنی چه کسی :

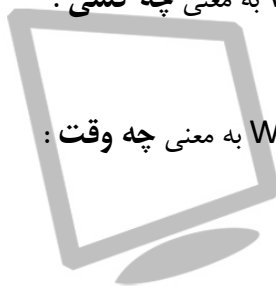
Who is your brother?

برادر شما چه کسی است؟

When به معنی چه وقت :

When did you see Ali?

چه وقت علی را دیدید؟



What به معنی چه چیز یا چه کس :

What did he wear?

او چه چیزی پوشید؟

Why به معنی چرا :

Why did she leave work?

چرا او کار را ترک کرد؟

Where به معنی کجا :

Where did they go?

آنها کجا رفتند؟

توجه: اگر کلمات پرسشی با WH در حالت فاعل قرار گیرند، کفایت جای فاعل را با آن عوض کرده و جمله را در حالت پرسشی ادا نماییم. مثال:

Ali is his brother.

► **Who** is his brother?

توجه: اگر کلمات پرسشی با WH در حالت غیر فاعل قرار گیرند، کفایت جای فعل و فاعل را با هم عوض کرده و جمله را در حالت پرسشی ادا نماییم. مثال:

I live in Iran.

► **Where** do you live?

I saw Ali yesterday.

► **When** did you see Ali?



📌 Vocabulary

actor	/'æktə/	بازیگر
army	/'ɑ:mi/	ارتش
become	/'bɪ'kʌm/	شدن
buy	/'baɪ/	خریدن
bring	/'brɪŋ/	آوردن
business	/'bɪznəs/	تجارت، کسب و کار
called	/'kɔ:ld/	نامیده شده
career	/'kæ'rɪə/	شغل و حرفه
country house	/'kʌntri 'həʊs/	خانه قدیمی بیلاقی در حاشیه شهر
degree	/'di'grɪ:/	درجه
die	/'daɪ/	مردن، تاس
different	/'dɪfrənt/	متفاوت
education	/'edʒu'keɪʃn/	آموزش
high school	/'haɪ sku:l/	مدرسه متوسطه
interview	/'ɪntəvju:/	مصاحبه
job	/'dʒɒb/	شغل
join	/'dʒɔɪn/	پیوستن، ملحق شدن
just	/'dʒʌst/	عینا
kill	/'kɪl/	کشتن
make	/'meɪk/	ساختن، وادار کردن
mechanic	/'mæ'kænɪk/	مکانیک
medicine	/'medsn/	دارو
peace	/'pi:s/	صلح، آرامش
prize	/'praɪz/	جایزه
qualification	/'kwɒlɪfɪ'keɪʃn/	صلاحیت
respond	/'rɪ'spɒnd/	پاسخ دادن
return	/'rɪ'tɜ:n/	بازگشتن
see	/'si:/	دیدن
sell	/'sel/	فروختن
jeans	/'dʒi:nz/	جین
spaghetti	/'spæ'geti/	اسپاگتی
subject	/'sʌbdʒɪkt/	موضوع

the country	/ðə 'kʌntri/	بیرون شهر، بیلاق
thought	/θɔ:t/	گمان، اندیشه

Come in.	داخل شوید.
for a while	برای یک لحظه
for six months	برای شش ماه
get married	ازدواج کردن
have a child	بچه داشتن
it's called ...	آن ... نامیده می شود.
It's for you.	این برای شماست.
key facts	حقایق مهم و کلیدی
real names	نامهای حقیقی
Thank you for coming.	از آمدنتان سپاسگزارم.
Where did you go?	کجا رفتید؟



Unit 11

Grammar

☑ کاربرد too :

too قبل از صفت به معنی (خیلی، آنقدر زیاد) بوده و به جمله مفهوم منفی می دهد. مثال:

The water is **too** cold.

آب آنقدر سرد است (که نمی توان در آن شنا کرد)

I can't drink this tea. It's **too** hot.

نمی توانم این چای را بنوشم، خیلی داغ است.

توجه : فعل جمله پس از too بصورت مصدر (با to) بکار می رود. مثال:

The water is **too** cold **to** swim.

The tea is **too** hot **to** drink.

توجه : اگر بخواهیم فعل جمله را به شخصی نسبت دهیم، پس از too از for همراه با مفعول یا ضمیر مفعولی استفاده می کنیم. مثال:

The water is **too** cold **for** him **to** swim.

The tea is **too** hot **for** me **to** drink.

It's **too** dangerous **for** children **to** go swimming at that beach.

☑ کاربرد enough :

enough قبل از صفت به معنی (به اندازه کافی) بوده و به جمله مفهوم مثبت می دهد. مثال:

He is old **enough** to go to school.

او به اندازه کافی بزرگ شده که به مدرسه برود.

It was warm **enough** to go to school.

به اندازه کافی هوا گرم شده که بتوانیم به مدرسه برویم.

✓ صفت تفضیلی :

صفت تفضیلی برای مقایسه برتری دو اسم نسبت بهم بکار می رود. مانند **علی از مریم بلندقدتر است**. در این جمله **بلندقدتر** صفت تفضیلی می باشد. در زبان انگلیسی صفت تفضیلی با افزودن **-er** به انتهای صفت‌های تک سیلابی بدست می آید. مثال :

بلندتر : taller ► بلند : tall

علی از ماری قدبلندتر است. Ali is taller than Mary.

than در جملاتی که دارای صفات تفضیلی هستند به معنی **(از)** جهت مقایسه دو اسم بکار می رود. مثال :

This book is not cheaper **than** that book.

این کتاب ارزان تر از آن کتاب نیست

توجه : هنگام افزودن **-er** به انتهای صفت‌های تک سیلابی که حرف انتهای آنها بی صدا بوده و حرف ماقبل آخر صدادار است، حرف انتهایی تکرار می شود. مانند: bigger , fatter , hotter

✓ سیلابها در زبان انگلیسی :

به لغاتی مانند cat , dog , horse که در یک بخش ادا می شوند، کلمات تک سیلابی گفته می شود. لغاتی مانند monkey , dolphin که در دو بخش ادا می شوند ، کلمات دو سیلابی گفته می شوند. همینطور لغاتی مانند kangaroo , elephant که در سه بخش ادا گردیده و سه سیلابی هستند.

همانطور که دیدید در صفت‌های تک سیلابی مانند tall و old ، صفت تفضیلی با افزودن **-er** به انتهای لغت تشکیل می شود. مانند: taller و older

✓ صفت تفضیلی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت تفضیلی با افزودن more به ابتدای لغت تشکیل می‌شود. به مثالهایی در این زمینه توجه نمایید:

My mother is older than your mother.

مادر من از مادر تو مسن تر است

My father is more hardworking than my uncle.

پدر من از عمویم سختکوش تر است

✓ صفت عالی :

صفت عالی برای مقایسه برتری میان چندین اسم بکار می‌رود. مانند **علی بلندقدترین دانش آموز است**. در این جمله **بلندقدترین** صفت عالی می‌باشد. در زبان انگلیسی صفت عالی با افزودن **-est** به انتهای صفت‌های تک سیلابی ساخته می‌شود. مثال :

بلندترین : tallest ► بلند : tall

علی قدبلندترین دانش آموز است. Ali is the tallest student.

توجه : the در جملاتی که دارای صفات عالی هستند همیشه قبل از صفت عالی بکار می‌رود. مثال :

علی جوانترین بچه است. Ali is the youngest child.

✓ صفت عالی چند سیلابی :

در صفت‌های دو یا چند سیلابی مانند beautiful ، صفت عالی با افزودن most به ابتدای لغت ساخته می‌شود. مثال:

Isfahan is the most beautiful city in Iran.

اصفهان زیباترین شهر ایران است

▼ Vocabulary

accommodation	/əkɒmə'deɪʃn/	متزل و وسایل راحتی زندگی
attractive	/ə'træktɪv/	دلربا، جذاب
bad	/bæd/	بد
bath	/bɑ:θ/	حمام کردن
bathroom	/'bɑ:θrʊm/	حمام
bedroom	/'bedrʊm/	اتاق خواب
behave	/br'herv/	رفتار کردن
best	/best/	بهترین
better	/'betə/	بهتر
campsite	/'kæmpsaɪt/	اردوگاه تفریحی، در محوطه چادر زدن
cooker	/'kʊkə/	غذاپز
cupboard	/'kʌbəd/	قفسه ظروف، گنجبه
cups	/kʌps/	فنجان و ظروف
dining room	/'daɪnɪŋ ru:m/	اتاق نهار خوری
enough	/ɪ'naʊf/	کافی
fantastic	/fæn'tæstɪk/	خیالی، خارق العاده
greet	/gri:t/	سلام و احوالپرسی
guest	/gest/	میهمان
hall	/hɔ:l/	تالار
hard	/hɑ:d/	سخت
high	/haɪ/	بلند
host	/həʊst/	میزبان
kitchen	/'kɪtʃɪn/	آشپزخانه
laptop	/'læptɒp/	رایانه همراه
least	/li:st/	کمترین
lift	/lɪft/	بلند کردن
living room	/'lɪvɪŋ ru:m/	اتاق نشیمن
modern	/'mɒdn/	نوین
most	/məʊst/	بیشترین
old-fashioned	/əʊld 'fæʃnd/	قدیمی، از مد گذشته
opinion	/ə'pɪnjən/	نظریه
outside	/aʊt'saɪd/	خارج از

over	/'əʊvə/	بالای
palmtop	/'pɑ:mtɒp/	نوعی رایانه همراه
peaceful	/'pi:zfl/	مسالمت آمیز
plant	/'plɑ:nt/	گیاه
plates	/'pleɪts/	بشقاب آلات
quick	/'kwɪk/	سریع
shelf	/'ʃelf/	طاقچه
shower	/'ʃaʊə/	دوش، باران درشت
sink	/'sɪŋk/	سینک دستشویی
sofa	/'səʊfə/	کاناپه،مبل راحتی
soft	/'sɒft/	نرم
space	/'speɪs/	فضا
stairs	/'steəz/	پلکان
strong	/'strɒŋ/	قوی، نیرومند
suggestion	/'sə'dʒestʃən/	پیشنهاد
table	/'teɪbl/	میز
take off	/'teɪk ɒf/	از زمین برخاستن
tent	/'tent/	چادر
than	/'ðæn/	از، نسبت به ...
thing	/'θɪŋ/	چیز
toilet	/'tɔɪlət/	دستشویی
too	/'tu:/	بیش از حد
too many	/'tu: 'meni/	خیلی زیاد
too much	/'tu: 'mʌtʃ/	خیلی زیاد
try	/'traɪ/	سعی کردن
useful	/'ju:zfl/	سودمند
wash up	/'wɒʃ ʌp/	شستن ظروف
washbasin	/'wɒʃbeɪsn/	سینک ظرفشویی
worse	/'wɜ:s/	بدتر

bed and breakfast	(اطاق هتل) شامل تخت خواب و صبحانه
Can I make a suggestion?	ممکنه پیشنهادی بدهم؟
I agree.	موافقم.
I think ...	فکر کنم ...
Me too.	من هم همینطور.
not (good) enough	به اندازه کافی خوب نبودن
Oh, for me ...	برای من ...
self-catering apartment	آپارتمانی که خود شخص در آن غذا درست می کند.
What about ...?	درباره ... چطور؟
What do you think?	نظرتان چیست؟
You could ...	شما می توانید ...



Unit 12**Grammar****☑ کاربرد زمان حال استمراری در آینده ساده :**

از جملات حال استمراری می توان جهت برنامه ریزی انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

I am working tomorrow.
 You are taking a day off next week.
 He is leaving tonight.
 We are meeting him for lunch.
 They are going home after the lesson.

Are you going home after the lesson?
 No, I'm not.

☑ کاربرد going to در آینده ساده :

از ترکیبات going to می توان جهت بیان تصمیم انجام فعل در زمان آینده ساده استفاده نمود. مثال:

I am going to lose weight.
 قصد دارم تا وزن کم کنم.

He is going to learn Japanese.
 او قصد دارد تا زبان ژاپنی بیاموزد.

Are you going to join a gym?
 No, I'm not.
 Yes, I am.

به ترکیبهای سوالی و منفی زیر توجه نمایید:



📌 Vocabulary

appointment	/ə'pɔɪntmənt/	قرار ملاقات
arm	/ɑ:ɪm/	بازو
back	/bæk/	پشت
bank manager	/'bæŋk mænɪdʒə/	مدیر بانک
barber	/'bɑ:bə/	سلمانی
contact lenses	/'kɒntækt lenzɪz/	لنز تماسی
cut down	/'kʌt daʊn/	کم کردن، تقلیل دادن
dentist	/'dentɪst/	دندانپزشک
dinner	/'dɪnə/	شام
feel	/fi:l/	احساس کردن
foot	/fʊt/	پا
hairdresser	/'hæədresə/	آرایشگر مو
hand	/hænd/	دست
head	/hed/	سر
heart	/hɑ:t/	قلب
ill	/ɪl/	مریض، ناخوش
intention	/'m'ɪnʃn/	قصد، منظور
keep-fit	/'ki:p fit/	تناسب اندام داشتن
leg	/leg/	ساق پا
lifestyle	/'laɪfstɑɪl/	روش زندگی کردن
neck	/nek/	گردن
next	/nekst/	بعدی
nothing	/'nʌθɪŋ/	هیچی
optician	/'ɒp'tɪʃn/	عینک ساز
organize	/'ɔ:ɡənəɪz/	سازمان دادن
prepare	/'prɪ'peə/	آماده کردن
quit	/'kwɪt/	ترک کردن، دست کشیدن
reduce	/'rɪ'dju:s/	کاستن
resolutions	/'rezə'lju:ʃnz/	اهداف، تصمیمات
shopkeeper	/'ʃɒpkɪ:pə/	مغازه دار
sick	/sɪk/	مریض، ناخوش
smoking	/'smʊkɪŋ/	دود کردن، سیگار کشیدن

stomach	/'stʌmək/	معدده
stress	/stres/	فشار، پریشانی
weight	/wert/	وزن
well	/wel/	به خوبی

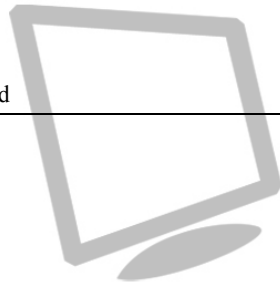
Can it be a bit later?	ممکنه قدری دیرتر باشد؟
early afternoon	ابتدای بعد از ظهر
first thing in the morning	اولین چیز در صبح
first thing on (Monday morning)	اولین چیز در صبح دوشنبه
I hope you're well.	امیدوارم خوب باشید.
I'm writing to thank you for your present.	این متن را برای تشکر از هدیه تان می نویسم.
It was a lovely surprise.	سورپرایز دوست داشتنی بود.
late afternoon	بعد از ظهر دیر وقت
late morning	صبح دیر وقت
lose weight	کم کردن وزن
mid-afternoon	اواسط بعد از ظهر
mid-morning	اواسط صبح
It's perfect for me.	برای من عالی است.
stress-free	دور از فشار عصبی و استرس
That's fine.	خوب است.
The (morning's) better for me.	صبح برای من بهتر است.
the day after tomorrow	پس فردا
till late	تا دیر وقت



English Result Elementary

Topic wordlist

<p>☑Numbers 1-20 one two three four five six seven eight nine ten eleven twelve thirteen fourteen fifteen sixteen seventeen eighteen nineteen twenty</p>	<p>☑Things in the classroom bag board chair desk door pen pencil phone picture student teacher window</p>
	<p>☑Actions in the classroom close listen look open read say write</p>
<p>☑Numbers 20+ twenty thirty forty fifty sixty seventy eighty ninety a hundred</p>	<p>☑The family mother father daughter son sister brother wife husband</p>



English Result Elementary

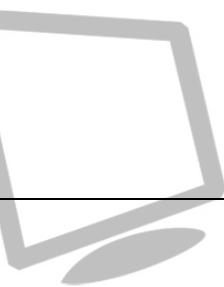
Topic wordlist

<p>☑People a baby a child a boy a girl a married couple grandparents a grandmother a grandfather an old man a woman a man a teenager</p>	<p>☑Places bookshop bus café car park cash machine chemist's music shop platform restaurant station taxi telephones ticket office toilets train</p>
<p>☑Jobs a designer a doctor an engineer a factory worker a farmer a housewife an office worker a shop assistant a vet</p>	<p>☑Countries Australia Brazil Canada China Egypt France Germany Greece India Italy Japan Russia South Africa Spain Turkey the USA</p>
<p>☑Times of the day first thing in the morning mid-morning late morning early afternoon mid-afternoon late afternoon evening</p>	

English Result Elementary


Topic wordlist

<p>☑Nationalities American Australian Brazilian Canadian Chinese Egyptian French German Greek Indian Italian Japanese Peruvian Russian South African Spanish Turkish</p>	<p>☑Months January February March April May June July August September October November December</p>
<p>☑Signs Cancelled Closed Free entry Full Half-price No entry No vacancies Open Out of order Please help yourself Private Sold out</p>	<p>☑Ordinal numbers first second third fourth fifth sixth seventh eighth ninth tenth eleventh twelfth thirteenth fourteenth fifteenth sixteenth seventeenth eighteenth nineteenth twentieth</p>



English Result Elementary

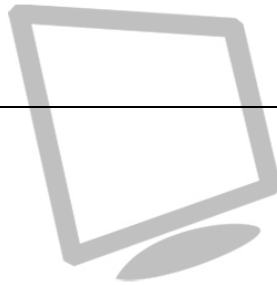
📌 Topic wordlist

<p>☑ Morning habits wake up get up have breakfast check your email have a shower brush your teeth get dressed leave the house</p>	<p>☑ Adjectives big fat long new old short small tall thin</p>
<p>☑ How often? always usually often sometimes never</p>	<p>☑ Office supplies batteries CDs a computer files notebooks paper pencils pens a printer printer ink rubbers rulers</p>
<p>☑ Colours black blond blue brown green grey red white yellow</p>	<p>☑ The body arm back foot hand head heart ill sick leg neck stomach well</p> 

English Result Elementary

📌 Topic wordlist

<p>☑️ Food and drink</p> <p>apple pie apples beans biscuits bread carrots cheese chicken legs chips chocolate cake coffee crisps eggs fish jam onions peas pizza potatoes sandwiches sausages soup steak tea toasted sandwich tomato salad water</p>	<p>☑️ Leisure activities</p> <p>go fishing go for a run go for a swim go roller-skating go sailing play basketball play cards play the guitar play table tennis read the newspaper ride a bike</p>
	<p>☑️ Weather</p> <p>the sun sunny clouds cloudy rain rainy snow snowy ice icy wind windy wet dry hot warm cool cold</p>



English Result Elementary

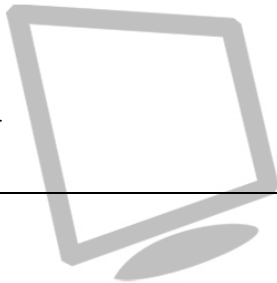
Topic wordlist

<p>Abilities</p> <p>climb cook draw drive a car jump kick a ball play the guitar read a book ride a bike run sit skate stand swim walk</p>	<p>Clothes</p> <p>a baseball cap boots a coat a dress a hat a jacket jeans sandals a shirt shoes shorts a long skirt a short skirt a suit a sweater a tie trousers a T-shirt</p>
<p>Likes and dislikes</p> <p>love like enjoy don't like hate</p>	<p>Transport</p> <p>airport bus bus station departure gate plane platform taxi train train station underground station</p>
<p>Free-time activities</p> <p>go for a sandwich go for a walk go for a run go for a drink go for a coffee go to the shops go to the park go to the gym go to the cinema go to the pool</p>	

English Result Elementary

Topic wordlist

<p>☑Places bridge car park castle craft market health centre hotel lights police station shoe shop</p>	<p>☑Rooms and bathroom bedroom dining room kitchen living room chair cooker cupboard shelf shower sink sofa table toilet washbasin</p>
<p>☑On holiday a crowded beach cheap restaurants dirty restaurants a comfortable room a sea view exciting nightlife friendly people a noisy building site a quiet pool wet weather</p>	<p>☑Comparatives bigger smaller warmer colder fatter thinner fresher older sweeter harder greener bigger higher longer cheaper better worse</p>
<p>☑People bank manager dentist doctor mechanic men’s hairdresser optician shopkeeper women’s hairdresser</p>	



منابع و مراجع

- Mark Hancock & Annie McDonald, English Result Elementary, Oxford University Press 2010
- Raymond Murphy, English Grammar in Use 3rd Edition, Cambridge University Press 2010
- Joan Saslow & Allen Ascher, Top Notch Fundamentals, Pearson Longman 2006
- Alireza Motamed, TDictionary, TahlilGaran 2012
- Alireza Motamed, PersianVi Elementary, TahlilGaran 2010

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی

تحلیکران

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، برنامه ای جهت ارتقای مهارت‌های زبان انگلیسی بصورت خودآموز و براساس زمانبندی دلخواه شما می باشد. مطالعات نشان داده اند آموزش از راه دور همان انگیزشی که در کلاسهای سنتی وجود دارد را فراهم آورده و درکل نود درصد سریعتر از آموزش انفرادی نتیجه می دهد.

آموزشگاه مجازی زبان انگلیسی، پاسخی است به نیاز کسانی که جهت صرفه جویی در وقت و هزینه ، تمایلی به شرکت در کلاسهای درسی ندارند. همچنین این برنامه آموزشی مناسب افرادی می باشد که قصد دارند در حین کار و تحصیل به مطالعه و آموختن زبان دوم بپردازند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی گروه آموزشی انتشارات تحلیکران
www.TahlilGaran.org مراجعه نمایید: